

بسمه تعالی

## سخنرانی شب نیمه شعبان

حجت الاسلام والمسلمین قاسمیان - بامداد ۵ شنبه ۲۱ فروردین ۹۹

اعوذ بالله من الشیطان رجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین

تبریک عرض میکنیم میلاد منجی عالم بشرین حضرت صاحب العصر و الزمان علیه آلاف التحیه و الثنا. البته مجالس به صورت غیر حضوری خیلی حال نمیدهد ولی مجبوریم با شما بینندگان عزیزم به این شکل صحبت کنیم.

چند نگاه در بحث حضرت صاحب العصر و الزمان هست از چند زاویه بررسی میکنند.

مثلاً برخی بحث های مکاشفات و این ها را مطرح میکنند. این یک زاویه است که حضرت را دیدند. همین بحث را آقای بهجت هم فرمودند. حضرت آقا هم یک موقع از آقای بهجت پرسیدند شما این را گفتید؟ گفتند بله من گفتم که گفتند که پیرمردها هم میبینند. که همش هم گفتند که من یک دوستی دارم (که نمیدانیم آن دوستشان کی هست) که آن موقع شصت، شصت و پنج سالش بوده. ایشان در تشریفش به خدمت حضرت، گفته بود که شما کی ظهور می آید؟ فرمودند: زود است، عنقریب است و ... اما او سمج شده بود. پرسیده بود: کسانی هم سن و سال من میبینند؟ فرموده بودند: پیرمردتر از شما هم [ظهور] را میبینند.

البته این حرف یک ذیلی دارد که آن را خیلی پخش نکردند. و آن این است که حضرت فرمودند: "دعا کنید بقاء نشود." این همان جای سوراخش هست. اگر بقاء نشود و این بقاء را ما خودمان بوجود نیاوریم ان شاءالله این سرعت حوادث که دارد میروند جلو، به سمت ظهور حضرت صاحب العصر و الزمان باشد که چشم ما به جمال ایشان روشن شود و زعامت کل دنیا را به عهده بگیرند. خدایا! اگر این بلیات مقدمه ظهور است، بادا باد. این اتفاقاتی که دارد می افتد، اگر مقدمات ظهور است، مقدماتش اینطوری است، بادا باد.

این یک نگاه است.

یک نگاه دومی هست و آن روایات علائم ظهور است. این هم یک نگاه است. اینکه در شامات یک درگیری ای میشود، عبدالله میمیرد، و... این هم یک نوع زاویه دید به این بحث است. بعضی ها تطبیق میدهند درگیری شامات را با سوریه، اردن و لبنان. یا عبدالله را با مرگ عبدالله (پادشاه عربستان). این ها یک اشکالی که دارند این هست که اگر گفتند یک درگیری جدی میشود، خُب کی میشود؟ این درگیری است؟ درگیری قبلی است؟ بعدی است؟ این ها، خیلی این مسائل در آن روشن نیست. این هم یک نوع نگاه.

نگاه مکاشفات هم برای ما حجیت ندارد.

میماند یک نگاه دیگری که باید روی این نگاه ایستاد و بحث مسئله ظهور را حل کرد، بحث شرایط ظهور است. نه علائم ظهور است نه مکاشفات براساس ظهور.

در همین دعای سلامتی امام زمان (البته معروف شده به دعای فرج اما دعای سلامتی امام است) میگوید: اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحَجَّهَ بْنِ الْحَسَنِ. صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ عَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَ حَافِظًا وَ قَائِدًا وَ نَاصِرًا وَ دَلِيلًا وَ عَيْنًا... خدایا این ولیّات را حفظ کن، رهبری کن و ... بعد میگوید: حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا... تا اینکه او را سکنی بدهی در زمین به رغبت. چه به رغبت خودش و چه به رغبت مردم. یعنی وقتی حضرت ظهور میکنند که مردم رغبت پیدا کرده باشند.

این آن شرایط ظهور است و کاری که باید کرد این است که رغبت ایجاد کرد برای مردم زمین. رفته رفته مردم زمین، چنین رغبتی پیدا بکنند که یک منجی خدایی، آسمانی بیاید. مردم باید به این رغبت برسند. معلوم شود که خودشان نمیتوانند.

اینکه ما وظیفه مان حکومت اسلامی است که وظیفه مان است و باید انجام دهیم. ولی در روایت داریم که حضرت وقتی می آیند که همه لنگ هایشان را انداخته باشند. همه یک دور ادعاهایشان را کرده باشند و باطل شده باشد. قشنگ معلوم شده باشد که نمیتوانند. بگویند نتوانستیم، نشد. کسی دیگر ادعا نداشته باشد، مدعی نباشد که فکر بکند که میشود. یعنی ما خودمان میتوانیم دنیا را با ایده هایمان بگردانیم به یک عدل جهانی برسانیم خودمان. فکر کنیم ما خودمان میتوانیم به چنین چیزی برسیم. حتی اگر کسی در حکومت اسلامی، چنین تصویری داشته باشد، تصور بی راهی است. ته آن چیزی که ما میگوییم این است که ما میخواهیم مقدمه سازی بکنیم.

اگر بخواهیم یک مقدار دقیقتر صحبت بکنیم، ما حضرت را محبوس کردیم. من الان متکی بر خود روایات خدمتتان عرض میکنم. حضرت دنبال آمدن هستند. ما قفل زدیم که حضرت نیابند بعد دعا میکنیم که حضرت بیابند! مثل اینکه ببرید یک نفر را یک جایی زندانی کنید، بعد دعا کنید که چرا نمی آید!

شما حتما این داستان علی بن مهزیار اهوازی را شنیدید. همین الان در اهواز بروید، یک گنبد و بارگاه درست و حسابی دارد. علی بن مهزیار، بیست سفر میرود حج برای اینکه حضرت را ببیند. آن هم با آن سفرهای مشکل آن زمان. نمیشود. دیگر بیخیال میشود. میگوید آقا جان، ما حضرت بین نیستیم. سال بیست و یکم میخواستہ نرود، بهش میگویند برو! این سفر میبینی. میرود و اعمال حج را انجام میدهد. باز نمیبیند. خیلی پکر و داغان شده بود. وقتی داشت برمیگشت، یک جوانکی می آید میگوید: علی بن مهزیار تویی؟ میگوید بله. میگوید امام تو را خواسته، بیا! این هم دیگر مزده بده مزده، یار پسندید مرا. میرود خدمت حضرت و تمام خصوصیات حضرت را در روایت نقل کرده است. اینکه چطور نشسته بودند، پیراهنشان چطوری بود، موهایشان چطوری بود، ابروهایشان چطوری بود و ...

بعد چیزی که حضرت به او میگویند خیلی عجیب است. میفرمایند: يَا أَبَا الْحَسَنِ (کنیه علی بن مهزیار)، قَدْ كُنَّا نَتَوَقَّعُكَ لَيْلًا وَ نَهَارًا، فَمَا الَّذِي أَبْطَأَ بِكَ عَلَيْنَا؟ من شب و روز دنبال تو بودم، چرا دیر کردی؟ یعنی اگر تو بیست سال، بیست سفر دنبال من بودی، علی بن مهزیار، من شب و روز دنبال تو بودم. هیچ کس، مثل امام معصوم، دنبال شیعیان خودش نیست. یعنی اگر تصور کردید یک کسی دلسوزتر از امام معصوم برای ما پیدا میشود، پیدا نمیشود. اینها آب شفیق اند. میفرمایند علی بن مهزیار، تو فکر میکنی دنبال ما بودی، ما دنبال تو بودیم. علی بن مهزیار میگوید: راهنمایی نبود من را بیاورد پیش شما. این را که میگویند، حضرت سرشان را میاندازند پایین با دست یک خط و خطوطی میکشند بعد این را

میگویند: لآ... اینطور نبوده... وَ لَكُنْتُمْ كَثْرَتُمُ الْأَمْوَالِ... شما رفتید سراغ دنیا. اگر نمیتوانید به من برسید به خاطر این است که دلبر را عوض کردی، رفیق! الان به شما بگویند به فلان قدر پول میرسی، شما دوست داری به پول برسی، شما نمیخواهی به من برسی. شما دنبال من نیستی، دنبال پول هستید. وَ تَجَبَّرْتُمْ عَلَى ضُعْفَاءِ الْمُؤْمِنِينَ... بر ضعیفان مؤمنین، یک جبروتی دارید، خودتان را بالا گرفتید آنها را پایین. برای دنیا به جان همدیگر می افتید. برای نماینده شدن چه میکنید. این حزبهایتان به جان همدیگر افتادند. شما دنبال یک چیز دیگری هستید. شما دنبال من نیستید. ... وَ قَطَعْتُمُ الرَّحِمَ الَّتِي بَيْنَكُمْ... شما قطع رحم کردید. همین شیعه که در رحم معنوی امام معصوم است، شما قطع رحم کردید. رابطه های اخوت را با همدیگر قطع کردید. دارند چی میگویند: میگویند میدانید من کی می آیم؟ کی موفق به دیدار ما میشوید؟ وقتی این چیزها اتفاق بیفتد. لذا کسانی که میخواهند ظهور را ببینند جلوی و درک کنند، این مقدمات را باید طی بکنند. میفرمایند: فَأَيُّ غَدْرٍ لَكُمْ الْآنَ؟ دیگر چه عذری دارید؟ شما آن کاری که باید بکنید، نمیکنید. لذا وقتی نمیکنید توقع نداشته باشید که من بیایم.

در یک نامه ای که حضرت به شیخ مفید نوشتند، خیلی حرف مهمی وجود دارد که شاید سید حسن نصر الله هم که بحث اجتماع قلوب مؤمنین را مطرح کرد (که ساعت ۱۰ شب نیمه شعبان، دعایی برای اجتماع قلوب مؤمنین بخوانند)، متکی به این گفته است. در آن بیانیه شان حضرت میفرمایند: وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا - وَقَفَّهْمُ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ - عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا... اگر شیعه ما یک اجتماع قلوب میکرد، یمن لقا ما، برکت و سعادت لقا ما، به تأخیر نمی افتاد. ...وَلَتَعْجَلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا... این سعادت مشاهده ما تعجیل میشد. ...عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا... تازه نه اینکه فقط امام را ببیند، امام را به عنوان رهبر و والی میدیدید. ...فَمَا يَخْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ. [علت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آن چه از کردار آنان به ما می رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.] چیزی ما را حبس نکرده از آنها. یعنی ما زندانی شدیم. چی زندانی کرده؟ اینکه یک کارهایی انجام دهند که ما خوش نداریم.

ما به وزان کاری که داریم میکنیم، سهمی داریم در تعجیل یا تأجیل (مخالف تعجیل) حضرت. اعمال ما، همیشه در محضر امام زمان است. الان امام زمان هم هست که مسئول ماست و وظیفه دارد. بقیه ائمه، وظیفه ندارند. برای همین امام زمان را قسم بدهید به ائمه دیگر، به مادرشان. چون امام زمان وظیفه مراقبت از شیعه، وظیفه مراقبت از دنیا دارند. بقیه ائمه، الان چنین وظیفه ای ندارند. وظیفه ندارند. لذا امام زمان را قسم بدهید به اجدادشان.

هرکدام از کارهایی که ما داریم انجام میدهیم، سهمی دارد در جلو بردن یا عقب بردن. این آن نگاه درست است. وگرنه بگوییم علائم ظهور اینطوری و آنطوری است، حالا الان است؟ بعدا هست؟

الان مکاشفه کردند اینطوری و آنطوری. به من ربط دارد؟! حجیت دارد؟! نمیخواهم بگویم اینها نگاه های اشتباهی است. اما نگاه اصلی آن است که (نور: ۵۵) وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ... ایمان باشد، عمل صالح باشد، انجام کارهایی باشد که در آن راستا باشد، خدا این نظام خلیفگی را عوض میکند. وگرنه... كَثْرَتُمُ الْأَمْوَالِ، وَ تَجَبَّرْتُمْ عَلَى ضُعْفَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَ ... اگر اینطوری باشد یعنی شما دلبر را عوض کردی.

در این آیات سوره آل عمران راجع به أحد می فرماید: (آل عمران: ۱۵۳) إِذْ تُصْعِدُونَ... شما از این کوه رفتید بالا؛ اصلاً هیچ کس هم کاری به کار دیگری نداشت. یعنی در تکالب در دنیا، این که بیایی بینی رفیق دینی ات در چه بدبختی ای دارند زندگی میکند، اصلاً فقط میخواهی بروی بالا. این بالا رفتن همراه با چی هست؟ همراه با چند تا چیز: ...وَلَا تَلُوْنَ عَلَىٰ أَحَدٍ... اصلاً کاری به دیگران نداری. خودت میخواهی بروی بالا. و بعد: ...وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أَخْرَاكُمْ... تو پشت سر امامی؟ نخیر امام پشت سر توست. تو راه خودت را میروی. امام از پشت باید فریاد بزند. شما را دعوت میکند. شما پشتت به امام است. امام جلو نیست، امام عقب است. اگر اینطور شود: ...فَأْتَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ... غمی بر غمی افزوده میشود. یعنی انسان دچار غم های متراکم میشود.

وظیفه ما مقدمه سازی ظهور است و در این تردیدی هم نیست. ولی گفتند وقتی ظهور میشود که همه بفهمند که نمیتوانند. همه لنگ ها بیندازند که آقا ما نمیتوانیم. اگر قبول بکنند که آقا ما میتوانیم، ما میتوانیم عدل گستر در جهان باشیم [این درست نیست]. وظیفه ما دویدن در این زمین بازی است ولی آخرش باید بفهمیم که ما تهش، زمینه سازیم. ما نمیتوانیم. این را باید بفهمیم.

حالا بعضی میگویند ما نمیتوانیم و بعد کل حکومت اسلامی را میگذارند کنار. نه! این خلاف بیانات قرآن است. بالاخره در همین مسیر باید برویم. بعضی هم این فکر میکنند ما آمدیم دیگر، منجی میخواهیم چه کار؟

حضرت وقتی می آیند که همه لنگ ها را انداخته باشند و بگویند ما نمیتوانیم. خواستیم اما نشد. راهش هم در همان آمَنُوا... وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ است. اینکه بیفتیم به بالا رفتن های خودمان، تکالب بر دنیا، این میشود...فَمَا يَحْسِبَانَا... داریم خود امام زمان را حبس میکنیم.

فَأْتَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ... البته این غمها، خودش میتواند زمینه چیز خوبی باشد برای همین میفرماید: فَأْتَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لَكِنَّا تَحَرُّنَا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ... یعنی خود این غم ها میتواند رشد دهنده باشد، میتواند برگشت دهنده باشد. انسان راهی که میرود، این چپه شدن ها، میتواند عاملی برای بازگشت انسان باشد. این خوب است. عامل بازگشت بشود، خوب است. منتها ما باید بشر را خالی کنیم جوری که ....حَتَّىٰ تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا... بشر به رغبت بیفتد برای حضرت.

شاید این وپروس به بشریت نشان داد که کل این تمدن را خدا میتواند با یک وپروس که نمیشود دیدش، طومارش را بیچد به هم. یعنی خدا بشر را خیط کرد. این را باید بفهمیم.

یکی از سنن الهی، این است: خاطوا الله. خدا خیط میکند. خدا خیط میکند مغرور را. یعنی شما در سنت الهی نگاه بکنی، هرکس دماغش پر باد تر، خدا بدتر و خیلی حقیرانه تر او را به زمین میزند. نمرود را با یک پشه به زمین میزند. اینها حرف دارد ها. این فرعون، این همه بچه میکشد تا موسی رابکشد، خدا میگوید حالا خیطت میکنم. موسی را میدهم خودت بزرگش کنی. خدا خیط میکند آدمهای مغرور را، تمدن های مغرور را. در جنگ احزاب، احزاب آمدند. میفرماید: همه آمدند در احزاب، من هم باد فرستادم. (احزاب: ۹) جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا... من هم با باد آمدم. آن ها با احزاب آمدند، من با باد آمدم. یعنی فوتتان میکنم.

بشریت الان باید بفهد که با یک ویروس افسیلن، چجوری خدا این بشر را خیط کرد؟! تمام تمدن ها را به زمین زد. اینطوری هم نبود که ما الان بلد نبودیم اداره بکنیم، آمریکایی ها بلد بودند؛ نه! فاتحه همه را خواند. در سال ۲۰۲۰ ملت داشتند به همدیگر یاد میدادند که چطوری دستهایشان را بشویند. یعنی تمدن ها را به این نقطه رساند. این خیلی مهم است.

ما باید رغبت ایجاد بکنیم. اجتماع قلوب مؤمنین، به خصوص شیعه! این را حواستان باشد، نگویید کل دنیا. آن کسانی که شیعه اند و پارکاب ایستادند و دم دستی اند، آن ها در درجه اولند، آنها مهمند. که اینها بایستند پاکار اجتماع قلوب. اگر این اتفاق بیفتد، ما در زندان امام زمان را باز میکنیم. چرا؟ چون ما ایشان را زندانی کرده ایم. ایشان که آماده است.

بعضی تصور میکنند حضرت الان دارند میخوانند برای رهبری، فعلا دارند خودشان را آماده میکنند. اینطوری که نیست که مثلا سوادش را ندارند، تجربه اش را ندارند. ۱۲۰۰ سال تجربه راجع به تمام حکومت ها و ... علمیا و عملیا. همه چیز سرجایش هست. ایشان منتظرند. ما داریم تأخیر میکنیم. این را بفهمیم. بعضی هی میگویند یا بن الحسن کی می آیی؟ شاکی شدند. در صورتیکه برعکس است. ایشان شاکی اند که شما چرا در زندان را باز نمیکنید. این آن نکته اصلی در بحث ظهور است که با این زاویه اگر ببینیم که اتفاقا اگر این ویروس و همه این بلیات، من باب ... فَأْتَابَكُمْ عَمَّا بَعَّمْ... باشد...

در همین سال ۹۸ که گذشت، کاملا معلوم است که داریم میتابیم دور همدیگر. این هم رد کنیم، میرویم فینال! هی یک اتفاقی میافتد، باز یک اتفاق دیگر می افتد. انگار تمامی ندارد. معلوم است آن بیراهه ای که رفتیم، دیگر ماشین دارد غلت میخورد. این تمدن دارد غلت میزند دیگر. این معلوم بشود، در شیعه لاقول معلوم بشود این، که راهی که داریم میرویم اشتباه است و برگردیم، خودمان را درست بکنیم، اعمالمان را درست بکنیم. کارمان را برای حاکمیت درست بکنیم. اسمش این است که وظیفه و حاکمیت است که باید بروم نماینده مجلس بشوم که خدمت بکنم و ... بعد میایی میبینی هنوز هیچی نشده، یک چیزهایی، یک رقابت هایی و... است. چیزی که بویش به مشام نمیرسد، بوی خداست. شما میخواهید از اینها چیزی دریابید؟!

شهید قاسم سلیمانی، کل هزینه ای که برای نظام داشت، یک دیپلم بود. حالا نمیدانم دیپلم ردی بوده یا نه. هیچ دوره ای از دوره های سپاه هم نرفت. ایشان هیچ دوره ای ندیده از این دوره های سپاه. بعد این اخلاصی که او داشت و کاری که برای نظام کرده بود، شما نگاه کنید که چقدر آدم ها دلشان آشوب است برای قاسم سلیمانی. آن وقت میبینید که ما این همه کار اینطرف آنطرف، کل زندگی مان میشود هشت جلد مقالات که به درد لبویی هم نمیخورد. به خاطر اینکه، آن اخلاص نیست. آن کار برای ولی نیست. کار برای خودمان است. یعنی دل خودم هست. دلم میخواهد که اینطوری درس بخوانم و آن طوری زندگی کنم. برای نظام اسلامی بخواهم یک کاری بکنم، این نیست. اگر این باشد، ان شاءالله مقدمات ظهور فراهم میشود و چشم ما به جمال بی مثال حضرت، روشن میشود.

ان شاءالله که موفق باشید و مؤید باشید. توسل به حضرت و دعای الهی عظم البلاء را حتما هر روز داشته باشیم.

صلوات!